



خجسته باد ۸ مارس، مظهر پیکار زنان

زنان زحمتکش و تحت ستم!

۸ مارس (۱۸ اسفند) فرا می‌رسد. ۸ مارس، مظهر تلاش و مبارزه زنان در سراسر جهان برای پایان بخشیدن به ستمی‌ست که قرن‌ها بر زنان اعمال شده است.

تبعیض، نابرابری و ستمگری جنسی، یکی از نتایج پیدایش مالکیت خصوصی، طبقات و جامعه طبقاتی در طول تاریخ بشریت است، که زن را به انسانی فرودست، اسیر و بنده مرد تبدیل نمود. به گواه تمام تحقیقات علمی تاریخی، جامعه‌شناسی و باستان‌شناسی، در جامعه‌ای که هنوز مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و توزیع پدید نیامده بود و طبقات فرادست و فرودست، ستمگر و ستم‌دیده پدید نیامده بود، زن از یک شأن انسانی، موقعیت و جایگاه رفیعی در جامعه برخوردار بود. اما جامعه طبقاتی، چنان جایگاه اجتماعی زن را تنزل داد و طی قرون متمادی فرودستی زن را با خرافات و افسانه به هم آمیخت که گویی این سرنوشت ازلی و ابدی زن بوده است. تاریخ، اما درنگ ندارد. به پیشرفت خود ادامه داد و به مرحله‌ای رسید که جامعه سرمایه‌داری پدیدار گردید و شیوه تولید، بنیان‌های نفی نظم طبقاتی را در بطن خود پروراند. همراه با مبارزه طبقه کارگر، مبارزه زنان در ابعاد توده‌ای برای نفی تبعیض، نابرابری و ستم جنسی آغاز گردید. نخستین مطالبه زنان برابری حقوق بود. اگرچه در چارچوب نظام سرمایه‌داری، برابری حقوقی پذیرفتنی است، اما نفع اقتصادی و سیاسی طبقه سرمایه‌دار، مانع از پذیرش این خواست می‌شد. سرانجام، زنان پیشگام جنبش کارگری و سوسیالیستی، در اوائل سده بیستم به جنبشی سازمان یافته شکل دادند و با مبارزه‌های پیگیر که از حمایت و پشتیبانی طبقه کارگر جهان برخوردار بود، طبقات سرمایه‌دار و دولت‌های آنها را وادار نمودند که یکی پس از دیگری این مطالبه زنان را بپذیرند.

برابری حقوقی زن و مرد، گرچه هنوز به معنای یک برابری واقعی، همه جانبه و رفع کامل تبعیض و ستم جنسی نیست، حتی در پیشرفته‌ترین و به اصطلاح دمکراتیک‌ترین کشورهای سرمایه‌داری، مکرر در عمل نقض می‌شود، با این همه، یک پیشرفت و دست‌آورد بزرگ برای زنان سراسر جهان است. اما طنز تاریخ است که در ایران اواخر سده بیستم، دولتی مذهبی حاکم گردید که به نابرابری، تبعیض و ستمگری بر زنان، شکلی رسمی، قانونی و عریان داد. دولت مذهبی جمهوری اسلامی به محض استقرار در ایران، تلاش نمود تا حقوق و دست‌آوردهای زنان را در همان محدوده‌ای که تا آن زمان در نتیجه تلاش و مبارزه به دست آمده بود، از آنها بازپس گیرد. لذا به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، همراه شد با تصفیه و اخراج زنان از محل کار. دست‌آوردهای زنان یکی پس از دیگری مورد تعرض قرار گرفت. سرکوب زنان به وظیفه روزمره ارتجاع حاکم تبدیل گردید. گله‌های حزبالهی در کوچه و خیابان به جان زنان افتادند، تا رسم ارتجاعی حجاب اجباری را حاکم کنند. جمهوری اسلامی که وظیفه خود را بازگرداندن جایگاه زنان به دوران قرون وسطا و سلطه دولت‌های دینی قرار داده بود، به نابرابری و تبعیضی که در قوانین زمان شاه وجود داشت اکتفا نکرد، مقررات و خرافات مذهبی دوران جاهلیت قرون وسطائی و عهد عتیق را بر قوانین و مقررات خود افزود تا ستمگری، نابرابری و تبعیض جنسی را به اوج خود برساند. جمهوری اسلامی تمام آنچه که می‌توانست انجام داد، تا بندهای اسارت و فرودستی زن را در خانواده مردسالار تحکیم کند. جمهوری اسلامی به آنچه که گفته شد بسنده نکرد. جدا سازی زن و مرد را در مراکز عمومی در دستور کار قرار داد. جمهوری اسلامی هرچه از دست‌اش برمی‌آمد، در این ۳۰ سال علیه زنان انجام داد تا ایران را به نمونه کشوری تبدیل کند که زنان با وحشیانه‌ترین و بیرحمانه‌ترین ستم، تبعیض و نابرابری روبرو هستند. نمی‌توان نمونه این ستم وحشیانه را در سراسر جهان، مگر در کشورهایی از قماش خود جمهوری اسلامی، نظیر عربستان سعودی و شیخ نشین‌های حاشیه خلیج دید.

اما این اقدامات فوق ارتجاعی و زن ستیزانه جمهوری اسلامی، از همان آغاز با واکنش و مبارزه زنان همراه بوده است. زنان در طول این ۳۰ سال حاکمیت دولت ارتجاعی طبقاتی - مذهبی به اشکال متعددی از مبارزه برای به عقب راندن رژیم و خنثی سازی اقدامات زن ستیزانه آن روی آورده‌اند. امروز در هر کجا که مبارزه‌ای علیه رژیم در جریان است، در کارخانه‌ها و مؤسسات، دانشگاه‌ها و مدارس، کوچه و خیابان، زنان حضوری فعال دارند. علاوه بر این در چند سال اخیر، بخش آگاه‌تر زنان تلاش کرده‌اند، به مبارزه خود شکلی سازمان یافته بدهند. جمهوری اسلامی برای به شکست کشاندن این تلاش، به سرکوب وحشیانه تجمعات زنان، بازداشت ده‌ها تن از فعالان برابری حقوق زن و مرد، محکومیت آنها به زندان و شلاق متوسل گردید. اما این سرکوب قادر نبوده و نخواهد بود، زنان را از تلاش و مبارزه برای تحقق مطالبات برابری طلبانه خود باز دارد. لذا به روش دیگری نیز برای مقابله با این جنبش برخاسته و تلاش می‌کند با استفاده از حضور زنان بورژوا لیبرال و بورژوا - مذهبی که وابسته به طبقه حاکم و جناح‌هایی از هیأت حاکمه‌اند و خواستار حفظ جمهوری اسلامی، این جنبش را به زانده جناح‌ها و گروه‌های وابسته به هیأت حاکمه تبدیل

کند، آن را به مجرائی قانونی سوق دهد، از هدف اصلی برابری طلبانه خود دور سازد، در صفوف آن انشقاق و انشعاب ایجاد نماید، تضعیف کند و به شکست بکشاند.

اما تجربه ۳۰ سال حاکمیت ستمگرانه جمهوری اسلامی، به توده زنان و پیشروترین و آگاهترین آنها آموخته است که نابرابری و تبعیض جنسی، ستمگری بر زنان، جزء لاینفک دولت مذهبی حاکم بر ایران است. تا زمانی که این رژیم بر سرکار باشد، نه فقط برابری حقوق زن و مرد مطلقاً تحقق نخواهد یافت، بلکه حتی یک بهبود قابل ملاحظه نیز در بی حقوقی زنان رخ نخواهد داد.

بنابراین، پیروزی جنبش زنان و تحقق فوری‌ترین مطالبه آن، برابری حقوق زن و مرد، تنها با مبارزه، حفظ استقلال این جنبش از رژیم و جناح‌های هیأت حاکمه، گرفتار نشدن در دام توهم پراکنی‌های قانونی، اتحاد این جنبش با جنبش طبقاتی کارگران و سرانجام، سرنگونی جمهوری اسلامی، به دست خواهد آمد.

سازمان فدائیان (اقلیت) که همواره از مدافعین پیگیر برابری حقوقی و اجتماعی زن و مرد بوده دشمن آشفتنی ناپذیر تبعیض، نابرابری و ستم بر زنان است، از مبارزات برابری طلبانه زنان قاطعانه حمایت و پشتیبانی می‌کند، اما در همان حال آن گرایش را که می‌کوشد به توهم قانون گرایی در این جنبش دامن بزند، آن را به زائده جناح‌های رژیم تبدیل کند، به تثبیت و تحکیم رژیم ارتجاعی - مذهبی استبدادی و زن ستیز یاری رساند، به عنوان یار و مددکار استبداد و ارتجاع، محکوم و افشا می‌کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) زنان تحت ستم را فرا می‌خواند که برای تحقق مطالبات برابری طلبانه مختص خود و تحقق مطالباتی که به عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران تعلق دارد، مبارزه خود را علیه جمهوری اسلامی تشدید کنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) به عنوان یک سازمان کمونیست که برای دگرگونی سوسیالیستی تمام نظم موجود مبارزه می‌کند، به برابری حقوقی زن و مرد قانع نیست، بلکه خواهان یک برابری واقعی، اجتماعی و همه جانبه، و برافتادن تام و تمام ستم، نابرابری و تبعیض جنسی است. اما تا آن زمان فرا برسد، از پیگیرترین برابری حقوقی زن و مرد دفاع می‌کند.

- سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان لغو فوری هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت و برخورداری بی قید و شرط زنان از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با مردان است.

- زنان باید آزادانه و با برابری کامل در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه مشارکت داشته باشند و به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح دسترسی داشته باشند.

- زنان باید از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی برخوردار باشند.

- تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جدا سازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی، تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق و سنگسار، باید فوراً ملغاً گردند.

- حق سقط جنین بدون قید و شرط به رسمیت شناخته شود.

- هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده ممنوع گردد و مجازات شدیدی در مورد نقض آنها اعمال شود.

- روابط خصوصی زن، باید از هرگونه تعرض مصون گردد و زن در انتخاب شریک زندگی خود آزادی کامل داشته باشد.

- حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارث و تکفل اولاد باید کاملاً برابر گردد.

- حجاب اجباری باید ملغاً گردد و هرگونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن ممنوع شود. زنان باید از حق آزادی انتخاب پوشش برخوردار گردند.

سازمان فدائیان (اقلیت) ۸ مارس، روز جهانی زن را به عموم زنان زحمتکش و ستم‌دیده و تمام انسان‌هایی که خواهان برافتادن ستم، تبعیض و نابرابری جنسی هستند تبریک می‌گوید.

با این امید که ۸ مارس امسال سرآغازی برای تحقق فوری برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زن و مرد باشد.

زنده باد ۸ مارس

پیروز باد مبارزات زنان علیه تبعیض و نابرابری

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

اسفند ماه ۱۳۸۷

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

نشانی ما روی اینترنت: www.fadaian-minority.org

آدرس الکترونیکی ما: info@fadaian-minority.org